

حرف & اضافه لازم

○ هادی خورشاهیان



- عنوان کتاب: به احترام آفتاب
- گردآورنده: سیدعلی کاشفی خوانساری
- ناشر: موعود
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۹
- شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۶۴ صفحه
- بها: ۳۰۰ تومان

در قتلگاه مستی این قدرت
«احساس» و «مهر» و «عاطفه» را سر بریده‌ایم
گردنکشان جامعه‌ها تیغ در کفاند
مست‌اند و وحشی‌اند
این توده‌ها همه
قربانی قساوت تاریخ گشته‌اند...

همانطور که از زبان و بیان این شعر مشخص است، شعر، شعر بزرگسال است و گردآورنده، دربارهٔ دو شعری که از مجلاتی با قید «برای نوجوانان» نقل کرده، دچار اشتباه شده است.

اگر قرار باشد رباعی «ای پرده‌نشین» شعر نیمایی «ای دادگر بیا» و هم‌چنین، قسمتی از شعر «روز ناگزیر» شعر نوجوان باشد، بسیاری از شعرهای شاعران به خصوص معاصر را به سبب زبان و بیان ساده آن‌ها می‌توان به عنوان شعر نوجوان پذیرفت، در صورتی که تفاوت‌هایی بین شعر نوجوان و شعر بزرگسال وجود دارد که نمی‌توانیم به صرف تشابه در سادگی و روانی زبان و بیان، شعرهای این دو حوزه را با یکدیگر یکی بدانیم و تفاوت دنیای نوجوان و بزرگسال را دست کم در شعر ندیده بگیریم.

درباره امام زمان (ع)

«موعود» واژه‌ای است که در بسیاری از فرهنگ‌ها، حتی فرهنگ‌هایی در حد قبيله، وجود دارد. در جوامع مختلف، انسان‌ها در انتظار موعود خویشند. در برخی از ادیان آسمانی نیز موعودی وعده داده شده است که مثلاً مسیحیان منتظر حضرت عیسی (ع)، زردشتیان منتظر سوشیانس، مسلمانان منتظر حضرت مهدی (عج) و... هستند.

اما مسئله قابل توجه در این میان، تفاوت بین این موعودهاست. بی‌تردید، تعاریف منتظران از موعودشان با یکدیگر متفاوت است و موعودها، مشخصه‌هایی خاص خود دارند. حتی موعودهایی که صرفاً ساخته ذهن انسان‌ها هستند، از چنان ویژگی‌هایی برخوردارند که فی‌المثل، موعود انسانی در ژاپن را با موعود انسانی در یکی از قبایل سرخپوست متفاوت می‌سازد.

دربارهٔ موعودهایی که کتب آسمانی و ادیان الهی وعدهٔ آمدن‌شان را داده‌اند، به طور کلی مطلب فرق می‌کند و مثلاً دربارهٔ حضرت مهدی (عج) می‌دانیم که نام پدر و مادر حضرت چه بوده، حضرت در چه سالی به دنیا آمده، غیبت صغری و کبری چگونه اتفاق افتاده است و اطلاعاتی دیگر. اما متأسفانه، در بسیاری از شعرهایی که شاعران برای حضرت مهدی (عج) سروده‌اند، مشکلاتی از این دست وجود دارد که شعر هیچ نشانه‌ای از حضرت مهدی (عج) ندارد و شاعر، فقط با نوشتن عبارتی در بالای شعر با مضمون «برای مهدی (عج)» شعر را به

را که همه هنرنمایی شاعر آن در قافیه‌سازی و استفاده صنعتی از قافیه است، به جای شعر نوجوان در مجموعه‌ای گردآورد؟ یا مثلاً شعر «روز ناگزیر»، سرودهٔ «قیصر امین‌پور» را آن قدر کوتاه کرد تا در اندازه‌های کمی کودکانه، نوجوانانه یا جوانانه قالب بخورد؟ «قیصر امین‌پور»، خود از شاعران مطرح کودک و نوجوان است. اگر «روز ناگزیر» شعر نوجوان می‌بود، بی‌تردید شاعر، آن را به همین صورت که گردآورنده آورده است، در یکی از کتاب‌های شعر نوجوان خود می‌گنجاند؛ در حالی که می‌بینیم «قیصر امین‌پور»، این شعر را به صورتی بسیار مفصل‌تر از فرم و اندازه‌ای که گردآورنده پسنیدیده، در ابتدای کتاب «آینه‌های ناگهان» آورده است که بدون شک، مجموعه شعر نوجوان نیست.

در این مجموعه، شعر دیگری «د به نقل از: مجله نسل نو (برای نوجوانان) نیمه شعبان سال ۱۳۵۴»، از آقای «جواد محدثی»، با عنوان «ای دادگر بیا» آورده شده است که هیچ همسایگی‌ای با شعر نوجوان ندارد و در واقع، شعر بزرگسال مبارزه‌جویانه است با همان حال و هوای شعرهای آن دوره.

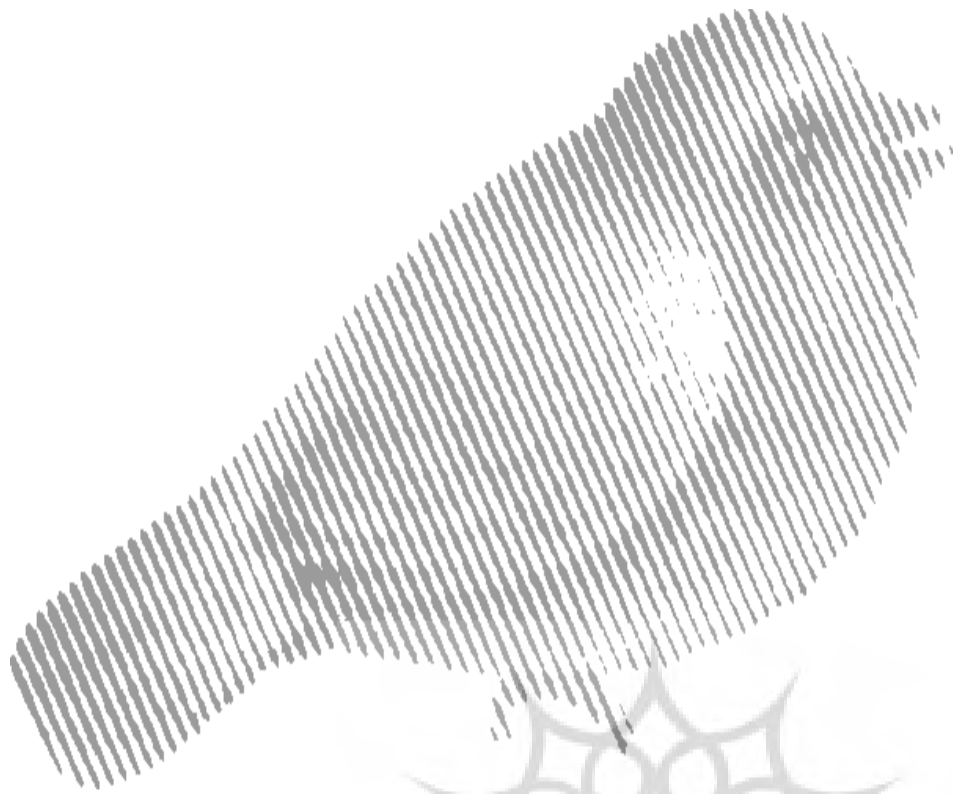
دنیای پرتلاطم و پر اضطراب ما
ای پادشاه عدل، در انتظار توست
طوقی شده تمدن ما بر گلوی ما
با علم و دانشی که به آن فخر می‌کنیم

«به احترام آفتاب»، مجموعه‌ای است از چهل شعر چهل شاعر که قرار بود دربارهٔ امام زمان (ع) و برای نوجوانان باشد که با خواندن این شعرها متوجه می‌شویم آن طورها که قرار بود، نشده است. از همان عدد چهل و با حذف شعر چهلمین شاعر (سرود بهار) که باتوجه به فهرست، خانم «سیمین دخت وحیدی» بوده، مشکل به وجود آمده است تا برسیم به مشکلات مهم‌تر.

شعر بزرگسال

گردآورنده، در مقدمه، نوشته است: «سعی شده شعرها حتماً نوجوانانه باشد، البته ممکن است بعضی از آنها کمی کودکانه یا جوانانه هم باشند.» اگرچه با این اشاره، نمی‌توان «کمی کودکانه یا جوانانه» شدن شعرها را توجیه کرد، می‌بینیم که از همین ادعای گردآورنده هم مجبوریم فراتر برویم و شعرهای کاملاً صنعتی و متکلف را نیز فقط به صرف «د به نقل از: عروه‌الوثقی (نشریه نوجوانان) شماره ۱۲۱، ۱۳/۲/۱۳۶۳». شعر نوجوانان یا به تعبیر گردآورنده، جوانانه به شمار آوریم.

ای پرده نشین پرده ز رخ یک سو زن
یک سو همه مرد منتظر یک سو زن
هرچند که انکار کنندت اما
از رونق تو کم نشود یک سوزن
واقعاً با عبارت «جوانانه»، می‌توان این شعر متکلف



تفاوت‌هایی بین شعر نوجوان و شعر بزرگسال وجود دارد که نمی‌توانیم به صرف تشابه در سادگی و روانی زبان و بیان، شعرهای این دو حوزه را با یکدیگر یکی بدانیم و تفاوت دنیای نوجوان و بزرگسال را دست کم در شعر ندیده بگیریم

در بسیاری از شعرهایی که شاعران برای حضرت مهدی (عج) سروده‌اند، مشکلاتی از این دست وجود دارد که شعر هیچ نشانه‌ای از حضرت مهدی (عج) ندارد و شاعر، فقط با نوشتن عبارتی در بالای شعر با مضمون «برای مهدی (عج)» شعر را به ایشان تقدیم می‌کند یا ارتباط می‌دهد

ایشان تقدیم می‌کند یا ارتباط می‌دهد. یا با اضافه کردن نام آن حضرت در بیت آخر شعر، شعری را که درباره شخصی حتی خیالی سروده شده است، به ایشان نسبت می‌دهد. در مجموعه «به احترام آفتاب» نیز شعرهایی از این دست وجود دارد که به برخی از آنها می‌پردازیم. مثلاً این شعر از «وحید نیکخواه آزاد» را با عنوان «کی می‌آیی» و با عبارت «پیشکش به امام زمان (عج)» مرور می‌کنیم:

ای بهار، ای بهار
ما همه، بیقرار
مانده در انتظار
کی می‌آیی؟

○
ما که جان خسته‌ایم
بر تو دل بسته‌ایم
با تو پیوسته‌ایم
پس کجایی؟

○
ای بهار، ای بهار
تو برامان بیار
نعمت بشمار
شادمان کن

○
ای بهاران بیا
زودتر نزد ما
مردم خسته را
شادمان کن

واقعاً اگر این شعر، عبارت «پیشکش به امام زمان (عج)» را نداشته باشد، نشانه دیگری می‌توان پیدا کرد که آن را به حضرت مهدی (عج) ارتباط دهد؟ طبیعی است که اگر این شعر برای امام زمان (عج) سروده شده باشد، بهار را استعاره‌ای برای آن حضرت می‌گیریم و شعر را هر طوری شده به امام زمان (عج) ارتباط می‌دهیم،

گرچه مه گرفته و بهاری‌اند
ایستاده‌ای؟...
مگر تا به حال
در میان مه سفر نکرده‌ای؟!

در برخی از شعرها که اشاره‌ای به امام زمان (عج) ندارد، دست کم از انتظار حرفی به میان آمده است، اما در این شعر، از کسی سخن به میان آمده که قبلاً حضور داشته و کوچه‌های چشم شاعر نیز با صدای پایش آشناست اما حال به علت مه گرفتگی کوچه‌های بهاری، دیگر از کوچه چشم شاعر گذر نمی‌کند. این شعر، اگر چه از شاعرانه‌ترین شعرهای این مجموعه است و می‌توان با توجیحات شاعرانه، آن را به حضرت مهدی (عج) منتسب کرد، متأسفانه نمی‌تواند آن چه را در ذهن شاعر بوده، به ذهن مخاطب نوجوان منتقل کند.

ایرادهای فنی

همان طور که پیش‌تر اشاره شد، در فهرست کتاب، از چهل شاعر و چهل شعر نام برده شده است، اما شاعر و شعر چهلم از متن اصلی حذف شده‌اند. هم چنین در شعر «کی می‌آیی»، با توجه به فرم شعر، ظاهراً «کی می‌آیی؟» در ابتدای بند اول اضافه است. در شعر «سایه صنوبر»، در مصراع دوم بیت پنجم، واژه «بنفش» به صورت «بنفشه» چاپ شده که وزن شعر را به هم زده است. خوشبختانه، ایرادهایی از این دست، در این مجموعه کم است و می‌توان اگر چه نه به راحتی، آنها را ندیده گرفت.

ولی واقعیت امر این است که این شعر، این گونه نشان میدهد که برای بهار سروده شده است و بدون عبارت «پیشکش به امام زمان (عج)»، هیچ نوجوانی، حتی اگر محصل مدارس غیرانتفاعی و تیزهوشان و برنده مدال‌های المپیک هم باشد، نمی‌تواند این مسئله را به مخیله‌اش خطور بدهد که این شعر برای انسانی سروده شده است، چه برسد به این که برای شخص خاصی چون آقا امام زمان (عج) قلمی گردیده باشد. در صورتی که مثلاً در ابتدای شعر «غنچه نرگس»، سروده «مهتری ماهوتی»، اشاره به حضرت مهدی (عج) کاملاً واضح است:

نگاه پنجره در انتظار مهمان بود

اتاق کوچک نرگس، ستاره باران بود
صدای بال ملائک به گوش می‌آمد

تمام خانه پر از بوی ناب قرآن بود...
این شعر، بدون آن که در پیشانی‌اش تقدیم نام‌های به امام زمان (عج) نوشته شده باشد، خود نشان می‌دهد که برای آن حضرت سروده شده و در بقیه شعر نیز این اشاره، کامل شده است.

از طرفی، شعرهایی در این مجموعه به چشم می‌خورد که در پیشانی آنها نشانی از تقدیم شدن به امام زمان (عج) وجود ندارد و مشخص نیست گردآورنده، چگونه آن شعر را با موضوع ارتباط داده است؟ البته، به طوری که در مقدمه نیز اشاره‌ای شده است، ممکن است گردآورنده براساس نظر شاعر، این گونه شعرها را به این مجموعه راه داده باشد که از این نمونه نیز می‌توان به شعر «در مه»، سروده «سید محمدسادات اخوی» اشاره کرد:

ای که کوچه‌های چشم من
با صدای پایت آشناست
مدتی است
از میان کوچه‌ها گذر نکرده‌ای